

نقش مترجمان عصر صفوی در ترویج مذهب تشیع با تأکید بر علی بن حسن زواره‌ای غلامحسین حسین زاده شانه چی^۱

چکیده

صفویان که با داعیه حمایت از مذهب تشیع حکومت خود را آغاز کردند از روش های گوناگون برای ترویج و فراگیر کردن آن استفاده کردند که یکی از آن ها حمایت مادی و معنوی از نویسندگان و مترجمانی بود که با تدوین کتاب های ارزشمند و نیز ترجمه آثار دانشمندان گذشته به زبان فارسی نقش به سزایی می توانستند در تبیین مذهب تشیع داشته باشند. از میان مترجمان متعددی که در عصر صفوی به این مهم پرداختند علی بن حسن زواره‌ای به سبب تنوع و تعدد آثارش چهره ممتازی به شمار می رود. این مقاله با هدف بازنمایی سهم اندیشمندان شیعی در تبیین اصول مذهب تشیع، به شیوه کتابخانه ای و با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی عملکردها و دستاوردهای علی بن حسن زواره‌ای پرداخته است. علی زواره‌ای تحصیلات خود را نزد شماری از عالمان مشهور عصر صفوی به پایان برد و تحت حمایت شاه طهماسب آثار خود را پدید آورد که متأسفانه برخی از آثار او از میان رفته و امروزه نسخه ای از آن ها موجود نمی باشد. نتایج تحقیق حاکی از این است که علی بن حسن زواره‌ای در کار ترجمه، به سراغ شماری از کتاب های بنیادی و مشهور در موضوعات تفسیر قرآن و امامت از نویسندگان بزرگ شیعه همچون شیخ صدوق، طبرسی، ابن طاووس و ... رفت و همچنین به کتاب های اصیل در فرهنگ تشیع مانند صحیفه سجادیه و نهج البلاغه توجه داشت. طبعاً ترجمه این آثار به جهت بهره مندی از محتوای ارزشمند و اعتبار نویسندگانشان در تبیین اصول و مبانی مذهب تشیع برای فارس زبانان تاثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: صفویه، تشیع، تألیفات، ترجمه، علی زواره‌ای

مقدمه

شیعیان از قرن دوم هجری همزمان با گسترش نهضت علمی ائمه علیهم السلام و تحت تاثیر توصیه های ایشان، فعالیت های نوشتاری خود را آغاز کردند. در طول تاریخ اسلامی چند مقطع زمانی را می توان به عنوان اوج فعالیت های علمی و تألیفی شیعیان به شمار آورد مانند سده های چهارم و پنجم هجری که شماری از بزرگ ترین دانشمندان شیعی آثار خود را پدید آوردند. قرن های دهم و یازدهم هجری نیز که دوران حاکمیت صفویان در ایران بود یکی از این دوره های درخشان و پربار در تاریخ فرهنگی شیعه به شمار می رود. فعالیت های علمی و ترویجی شیعیان در این عصر تحت تاثیر سیاست های مذهبی شاهان صفوی رشد و رواج فراوانی یافته و آثار بسیاری از جمله کتاب های متعدد در خصوص علوم دینی و اصول تشیع به رشته تحریر درآمدند. (مثلا نک: حموی، مخطوط به شماره ۱۱۵۵۲، ورق ۲) طبعاً تألیف این کتاب ها در ترویج مذهب تشیع و آشنا ساختن شیعیانی که مدت های مدید در محرومیت به سر برده بودند و یا کسانی که تازه به مذهب تشیع درآمده بودند، موثر بود. در همین راستا کتاب های اصولی و بنیادی تشیع که به قلم دانشمندان نامدار شیعه در ادوار گذشته نوشته شده بود نیز از عربی به زبان فارسی برگردانده می شد. ترجمه این گونه آثار اگر چه از چند سده قبل از صفویان آغاز شده بود ولی در دوره صفویه تداول بیشتری یافت و در واقع حرکت ترجمه متون عربی را باید از ویژگی های دوره صفویه دانست چرا که کتاب های علمی در دوره های پیشین به خصوص در قرون نخست عموماً به زبان عربی نوشته می شدند. بی شک کسانی که به کار ترجمه مبادرت می کردند علاوه بر آشنایی و تسلط بر دو زبان عربی و فارسی می بایست خود افراد تحصیل کرده و دانشمند باشند تا بتوانند متونی که عموماً تخصصی بوده و اصطلاحات خاصی داشتند را ترجمه کنند. هدف نویسنده در این مقاله بررسی سهم مترجمان دوره صفویه در تبیین اصول مذهب تشیع است، موضوعی که به نظر می رسد کمتر به آن پرداخته شده و شاید بتوان گفت - علیرغم مطالعات زیادی که درباره دوره صفویه انجام شده - مورد غفلت قرار گرفته و همین امر ضرورت انجام این تحقیق را ایجاب می کند. بدین ترتیب تحقیق حاضر مبتنی بر این پرسش است که مترجمان دوره صفویه - به ویژه علی بن حسن زواره‌ای - چه دستاوردها و عملکردهایی در زمینه ترجمه متون دینی داشتند؟ برای پاسخ به این پرسش با مراجعه به کتب منبع شناسی، کتاب های تاریخ صفویه و متون باز مانده از آن دوره به خصوص

نسخه‌های خطی، به گردآوری اطلاعات مورد نیاز اقدام و به شکلی توصیفی - تحلیلی به بررسی آن پرداخته شد.

درباره جریان ترجمه کتب عربی به فارسی مقالات اندکی نوشته شده که برخی به دوره پیش از صفویه و برخی به دوره پس از آن مربوط می‌شوند. آذرتاش آذرنوش در مقاله ای " تاریخ ترجمه از عربی به فارسی از آغاز تا عصر صفوی " را بررسی کرده است (آذرنوش، ۱۳۷۱، ۳۵-۵۷) همچنان که زهرا عبدی در " فرایند ترجمه متون غیرفارسی در دوره قاجار " عصر بعد از صفویه را مورد توجه قرار داده است (عبدی، ۱۳۹۱، ۱۹-۳۶). عباس میری در مقاله رویکرد علما به فارسی نگاری در عصر صفویه بیشتر به موضوع نگارش های فارسی پرداخته و البته اشاراتی به ترجمه های عصر صفویه نیز دارد. به نظر او نهضت فارسی نگاری ترجمه و شرح متن‌های سودمند و راه گشا در دوره صفویه پدیده نوینی بود که در شکل حرکت علمی فرهنگی به انگیزه گسترش تشیع از سوی دانشوران پایه‌گذاری شد (میری، ۱۳۷۷، ۳۷-۵۳). علاوه بر این ها، نویسنده همین مقاله در مقاله‌ای تحت عنوان ترجمه کتب سیره و مناقب امامان در عصر صفوی، موضوع ترجمه متون تاریخی را بررسی کرده است. مقاله مذکور، به این نتیجه منتهی شده که این ترجمه‌ها گرچه به ارتقای سطح علمی عمومی شیعیان کمک می‌کرد، ولی به سبب اموری، همچون حذف اسناد روایات و یا گرایش به ادبیات حماسی، مشکلاتی نیز به همراه داشت که مهمترین آنها کاسته شدن از ارزش عملی کتاب های مورد نظر بود (حسین زاده شانه چی، ۱۳۸۸، ۳۵-۴۸). به هر حال تحقیقات انجام شده و مقالات نوشته شده در این زمینه اندک هستند و کمتر به موضوع مورد نظر توجه کرده اند.

ترجمه کتب دینی در عصر صفویه

با روی کار آمدن صفویان، ضرورت فارسی کردن متون مذهبی شیعه در راس اقدامات فرهنگی دولت قرار گرفت. از این رو افزون بر نگارش شمار قابل توجهی آثار جدید به فارسی، شاهد ترجمه بسیاری از متون دینی رایج در محافل شیعه در همان دوره هستیم. به گفته مترجم تاریخ/الحکمای قفقزی که در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری می‌زیسته، تا آن زمان اکثر علوم متداوله و نقلیه به فارسی ترجمه شده بودند (جعفریان، ۱۳۷۹، ۳/۱۰۹۷). نگاهی به کتب فهرست نشان می‌دهد که در سده

های دهم و یازدهم هجری بیش از پنجاه ترجمه از آثار متقدم و متأخر شیعی در موضوعات مختلف- اعتقادی، تفسیر، سیره، فقه و ادعیه- پدید آمدند.^۱

در خصوص ترجمه متون دینی به زبان فارسی چند نکته قابل توجه است: نخست آن که شاهان صفوی، سیاست ویژه‌ای در این زمینه داشتند و به طور رسمی از عالمان می‌خواستند که به ترجمه آثار شیعه بپردازند که تا آن زمان عموماً به عربی و در خارج از محدوده جغرافیایی ایران نوشته می‌شدند. نمونه‌هایی از این توصیه‌های شاهان صفوی در دست است و بعید نیست که علمای شیعه در این جهت دهی فرهنگی نقش داشتند. در دوره شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴ هجری) که دوران تثبیت حاکمیت صفویان است، این حرکت دقیقاً با هدف ترویج تشیع در میان سنیان ایران دنبال شد و این نکته از مقدمه‌های مترجمان این کتب دست می‌آید؛ به عنوان نمونه در مقدمه نعمه‌الله مشهدی بر ترجمه کشف الغمه چنین آمده: "چون بنا بر حدیث **زینوا مجالسکم بذکر علی بن ابیطالب**، در اکثر اوقات مجلس آن منصب عالی (مقصود، محمدخان از امرای دوره صفوی است) جعفریان، ۱۳۷۹، ۳/۱۱۰۵) به ذکر مناقب آن شاه اولیاء، مزین و محلّی بود و همواره خاطر عاظر آن جامع مفاخر، متوجه بر این بود که تولّی و تبرّی، در میان مردم آشکار شود و معلوم و مقرر بود که بیشتر مردمان این زمان، از اکثر احوال ائمه طیبین غافلند و معرفت ثواقب مناقب ایشان به تفصیل حاصل ندارند، فرمود که کتاب کشف الغمه فی معرفه ائمه که جامع ترین کتب است در این باب، اگر کسی به پارسی کند نفع آن عام شود و موالیان، همه در معرفت امامان کامل و تمام شوند." (مشهدی، مخطوط به شماره ۶۷۴۰، ورق ۲)

در دومین ترجمه کشف الغمه نیز، که در عهد شاه طهماسب صفوی و به دستور وی صورت گرفته مترجم در مقدمه جلد اول، به ذکر خدمات شاه اسماعیل و شاه طهماسب پرداخته و پس از آن درباره برخورد علمی با سنیان و نحوه آن اظهار می‌دارد که بهترین روش در مجادله استفاده از کلمات مشهوره و مقدمات مسلمه است و چون کتاب کشف الغمه که جامع این امور است: "... به لغت عربی مسطور بود

^۱ - از این کتب به عنوان نمونه می‌توان مفتاح النجاه ترجمه عده الداعی ابن فهد حلّی، طراوه اللطائف ترجمه الطرائف ابن طاووس، وسیله النجاه ترجمه الاعتقادات شیخ صدوق و ترجمه باب حادی عشر علامه حلّی را نام برد که اغلب به قلم علی بن حسن زواره‌ای و در زمان شاه طهماسب انجام شده‌اند. قابل توجه این که در همین عصر کتاب‌هایی از اهل سنت نیز که مورد قبول شیعیان بود به فارسی ترجمه می‌شد؛ مثلاً علی بن حسن زواره‌ای، کتاب مطالب السوول ابن طلحه شافعی را به فارسی ترجمه کرد و آن را عمده الطالب فی ترجمه المناقب نامید. (تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۵/۳۴۰ و رفاعی، ۱۴۱۶، ۱۰/۱۴)

و فارسی زبانان را از آن، حظاً شامل و بهره کامل نبود بنابراین خدام امیر کبیر واجب التوقیر، عنان همت به صوب این مقصود معطوف داشته، رقم تفریس مجلد اول از کتاب مذکور به اسم این فقیر حقیر زدند.^۱ (زواره ای، ۱۳۸۱، ورق ۱). این سخنان به وضوح، سیاست فرهنگی عصر شاه طهماسب را نشان می دهد و دو ترجمه تقریباً همزمان از کشف الغمه و نیز دو ترجمه از احتجاج طبرسی در همین زمان می تواند^۱ شاهدی بر فعالیت فراوان این حرکت در عصر مذکور باشد.

به نظر می رسد که فعالیت گسترده این حرکت بر نواحی خارج از قلمرو صفویان هم تاثیرگذار بوده به طوری که در همین دوره حکومت طهماسب اول در هندوستان نیز کار ترجمه به فارسی دنبال می شود و نمونه آن ترجمه کتاب *الخرائج و الجرائح*^۲ راوندی با نام *کفایه المومنین* است که محمدشریف نامی از مقربان شاه طهماسب برای سلطان ابراهیم قطب شاه (درگذشته ۹۹۸ هجری) می نگارد. (محمد شریف، مخطوط به شماره ۹۵۲۷، ورق ۲) این حرکت تا اواخر عهد صفوی البته با شدت کمتری ادامه یافت و کتاب های دیگری مانند *ارشاد* شیخ مفید نیز ترجمه شدند.

ترجمه آثار عربی شیعه به فارسی، توسط عالمان و در مواردی شخصیت های درجه اول از این قشر - که خود، آثار مهمی داشتند- صورت می گرفت.^۳ حسن بن حسین سبزواری نزد علامه حلّی و فخرالمحققین درس خوانده بود و علاوه بر ترجمه های ذکر شده از او (نک: سبزواری، مخطوط به شماره ۱۰۴۹، ورق ۲) تالیفات چندی نیز داشت. علی بن حسن زواره ای چهره مشهور قرن دهم در این زمینه، نیز نزد عالمان زمان خود مثل محقق کرکی تحصیل کرده بود و نظام الدین احمد غفاری هم از نویسندگان پرآوازه این عصر است ولی در کنار اینان شخصیت های گمنامی مانند محمدشریف خادم (نک: محمد شریف، مخطوط به شماره ۹۵۲۷، ورق ۲)، محمد مسیح (نک: محمد مسیح، مخطوط به شماره ۷۲۳۰، ورق ۲) و نعمه الله مشهدی هم به چشم می خورند که سابقه علمی درخشانی از ایشان نقل نشده است (نک: حسین زاده شانه چی، ۱۳۹۴، ۱۱۵).

^۱ - این ترجمه ها به قلم علی بن حسن زواره ای، نعمه الله رضوی و نظام الدین احمد غفاری انجام شده است.
^۲ - *الخرائج و الجرائح* (قم، موسسه المهدی، بی تا) نوشته قطب الدین راوندی (درگذشته ۵۷۳ هجری)، از کتاب هایی است که در باب معجزات و مناقب ائمه نوشته شده و منبع بسیاری از تالیفات بعد از خود بوده است.
^۳ - اما گاه کسانی بودند که شغل مترجمی داشته و در این کار، حرفه ای بودند. یک نمونه، علی بن محمد امامی از عالمان قرن دوازده هجری است که کتاب های متعددی را به فارسی ترجمه نمود (نک: خوانساری، ۱۳۹۰، ق/۴، ۲۱۳ و جعفریان، ۱۳۷۹، ۱۱۰۲/۳).

توجه به فهرست نام کتب ترجمه شده در این دوره، نشان می‌دهد که مترجمان در ترجمه‌های خود اغلب کتاب‌هایی را انتخاب می‌کردند که از ارزش و اعتبار قابل قبولی برخوردار بودند. کشف‌الغمه علی بن عیسی اربلی، به عنوان اولین کتاب ترجمه شده در موضوع خود، اگر چه از آثار متأخر به شمار می‌رود و نزدیک به عهد صفویه به رشته تحریر درآمده ولی به دلیل اتقان آن در استفاده از مأخذ معتبر و نگرش نسبتاً عالمانه حاکم بر آن، کتابی ارزشمند به شمار می‌رود. ترجمه این کتاب فقط چند دهه پس از تالیف آن، به قلم حسن بن حسین سبزواری (نک: سبزواری، مخطوط به شماره ۱۲۱۹۸، ورق ۲ به بعد) خود می‌تواند دلیلی بر موقعیت ممتاز کتاب و استقبال مردم از آن تلقی شود.

کشف‌الغمه از همان آغاز دوره صفوی مورد توجه عالمان و حاکمان قرار گرفت و تنها در عهد شاه طهماسب اول (۹۳۰ - ۹۸۴ هجری)، سه بار به فارسی برگردانده شد. اظهارات مترجمان کشف‌الغمه درباره علت انتخاب این کتاب گویای ارزش و اعتبارش در آن زمان است. یکی از مترجمان این کتاب، نعمه‌الله بن قریش رضوی حسینی مشهدی در مقدمه کتابش، پس از اشاره به اقدامات شاهان صفوی در گسترش تشیع در باب علت انتخاب آن برای ترجمه اظهار می‌دارد که جامع‌ترین کتاب در " ذکر مناقب" و " احوال ائمه طیبین" است (مشهدی، مخطوط به شماره ۶۷۴۰، ورق ۲). در دومین ترجمه کشف‌الغمه نیز، که در عهد شاه طهماسب صفوی و به دستور وی صورت گرفته مترجم ناشناس، در مقدمه جلد اول با اشاره به علت ترجمه کتاب، می‌گوید: " طریق احسن در مجادله، آن است که به کلمات مشهوره و مقدمات مسلمه باشد و بهترین تالیف و زیباترین تصنیف که آن، مشتمل بر اخبار مشهوره و مقدمات مسلمه [می‌باشد] که جاحدان مذهب را از تسلیم آن، گریزی و معاندان را از قبول آن، گزیری نیست و به ضرورت، اعتراف به آن می‌باید نمود، کتاب کشف‌الغمه است که مجتمع اخبار مقررّه و جامع مقدمات مسلمه است ... " (مشهدی، مخطوط به شماره ۶۷۴۰، ورق ۲ و جعفریان، ۱۳۷۹، ۱۱۰۵/۳). علی بن حسن زواره‌ای نیز در ترجمه اش از این کتاب بر اهمیت و اعتبار آن تاکید می‌نماید (مشهدی، مخطوط به شماره ۶۷۴۰، ورق ۱ و ۲ و جعفریان، ۱۳۷۹، ۱۱۰۸/۳).

پیدااست که گزینش این کتاب برای ترجمه به جهت اعتبار علمی بوده که نزد مترجمانش داشته است. این نکته درباره دیگر کتاب‌های ترجمه شده در دوره مورد بحث یعنی احتجاج طبرسی و ارشاد شیخ مفید

نیز صدق می کند. کتاب *احتجاج طبرسی* از تالیفات معتبر در این باب نزد شیعیان بود.^۱ علی بن حسن زواره ای، مترجم این کتاب در علت گزینش آن برای ترجمه، بیان می دارد که *احتجاج طبرسی* از جمله آثاری است که از عبارات سلیس و پرمعنا و اشارات لطیف برخوردار بوده و به همین سبب بر تالیفات بسیاری از بزرگان برتری یافته است. وی در بیان اهمیت کتاب می افزاید: " در واقع بحری است مشحون به جواهر نفیسه و محیطی است مملو از فواید شریفه؛ محلی به فصاحتی که بصیرت ثاقبه فصحای زمان، مثل آن کمتر دیده و مزین به بلاغتی که سامعه صایبه بلغای دوران، صیت عدیل آن کمتر شنیده ... " (زواری، مخطوط به شماره ۲۱۲۳، ورق ۵) و همچنین به توصیه سید بن طاووس به پسرش نسبت به مطالعه آن اشاره می نماید (زواری، مخطوط به شماره ۲۱۲۳، ورق ۶). ترجمه مکرر و همزمان این کتاب نیز خود می تواند شاهد بر مورد توجه بودن آن باشد. شهرت و اعتبار *ارشاد* شیخ مفید در بین شیعیان هم واضح و بدیهی است.^۲ بدین ترتیب در دوره مورد بحث کتاب های متعددی به زبان فارسی تالیف یا ترجمه شدند.

نمونه های بیشتر این گونه تالیفات را در دوره صفویه می توان یافت که به دستور شاهان صفوی پدید آمده اند. افزایش این دسته از تالیفات، ناشی از اهداف سیاسی و فرهنگی بود که شاهان صفوی دنبال می کردند یعنی گسترش تشیع و نشر عقاید آن.^۳ در این زمینه، به خصوص می توان از دوره شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ هجری) صفوی یاد کرد که یکی از دوره های فعال تالیف کتب شیعی بوده و خود شاه طهماسب، سهم زیادی در این امر داشت؛ از جمله دو کتاب در موضوع سیره به فرمان وی و به قلم علی بن حسن زواره ای تالیف و ترجمه گردیدند.

^۱ - گفتار برخی از دانشمندان مبین این امر است. حرّ عاملی، طبرسی را عالمی فاضل و فقیهی محدث و ثقه برمی شمرد و کتابش را خوب و پرفایده می داند (حرّ عاملی، ۱۴۰۴، ۱۷/۲). مجلسی با وجود تصریح بر مرسل بودن اکثر اخبار *احتجاج*، می گوید که از کتب معروف است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸/۱). یوسف بحرانی (درگذشته ۱۱۸۶ هجری) با اشاره به ستایش سید بن طاووس از کتاب *احتجاج* تاکید می کند که بسیاری از متاخرین، از آن اخذ کرده اند (بحرانی، کُشکول، ۱، ۳۰۱). خوانساری هم تاکید می کند کتابی معتبر و معروف نزد شیعیان بوده است (خوانساری، ۱۳۹۰، ۲۹/۱).

^۲ - درباره شخصیت شیخ مفید نگاه کنید به: حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۸۱ق، خلاصه الاقوال، نجف، حیدریه، چاپ دوم، ۱۴۷ و تقرشی، سید مصطفی بن حسین، ۱۴۱۸، نقد الرجال، قم، موسسه آل البیت، ۴/ ۳۱۵. محمداقبر مجلسی درباره کتاب *ارشاد* او می گوید که مشهورتر از مؤلفش است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۹/۱).

^۳ - از جمله اولین کتاب هایی که به خواست شاهان صفوی نوشته شد، کتاب *عقد الحسینی* به قلم حسین بن عبدالصمد جباعتی (درگذشته ۹۸۴ هجری) - پدر شیخ بهایی - در فقه (تحقیق جواد مدرسی، یزد، گلپهاری، بی تا) و به دستور شاه طهماسب اول و کتاب جامع عباسی از شیخ بهاء الدین عاملی (فراهانی، بی تا، ۳۵) در فقه و به دستور شاه عباس اول می باشند.

زندگانی و شخصیت زواره‌ای

ابو الحسن علی بن حسن زواره‌ای منتسب به قریه زواره در استان اصفهان بوده و در شهر اصفهان سکونت داشت (بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱). عبد الله افندی از وی با عنوان فاضل عالم و مفسر فقیه و محدث نام برده که حاکی از مرتبه علمی وی می باشد. به نظر او زواره‌ای در کتاب هایش تمایل به تصوف داشت (عبد الله افندی، ۱۴۰۱، ۳/۳۹۴). آقا بزرگ تهرانی نیز از او با عنوان مفسر یاد می کند (تهرانی، ۱۴۰۳، ۱/۲۸۹ و ۳/۴۲۲ و ...).

درباره دوره تحصیل ابوالحسن زواره‌ای - همانند ادوار دیگر زندگانی او - آگاهی‌های زیادی در دست نیست اما بر اساس نام برخی از استادان وی که در کتب تراجم به آن‌ها اشاره شده می توان حدس‌هایی زد. احتمالاً او تحصیلاتش را در زادگاهش یعنی زواره آغاز کرد به خصوص آن که نزد یکی از عالمان اهل زواره نیز به تحصیل علم پرداخت. این شخص سید غیاث الدین جمشید زواره‌ای مفسر قرآن است که بنا به گفته عبدالله افندی، ابو الحسن زواره‌ای تفسیر قرآن را از او آموخت (عبدالله افندی، ۱۴۰۱، ۳/۳۹۴ و تهرانی، ۱۴۰۳، ۴/۳۰۹). سید غیاث الدین مذکور از معاصران محقق کرکی بوده و کتاب تفسیری به نام تفسیر جمشید نوشته بود (تهرانی، ۱۴۰۳، ۴/۲۷۰). ابو الحسن زواره‌ای در کتاب لوامع الانوار خود از وی نام برده و می گوید: "بنده حقیر بی مقدار را استادی بود که او را غیاث الدین جمشید می گفتند. او از سادات زواره بود و بسیار فاضل و کامل بود." (تهرانی، ۱۴۱۱، ۴۳). درباره وی مطالب بیشتری در کتب تراجم نیامده است.

احتمالاً زواره‌ای پس از تحصیلات مقدماتی برای ادامه تحصیل به شهرهای دیگر و حوزه‌های علمیه شیعه سفر کرده است. با توجه به این که او را از شاگردان محقق کرکی علی بن عبدالعالی جبل عاملی (درگذشته ۹۴۰ هجری) دانسته اند (تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۸/۳۶۱) می توان تصور نمود که زواره‌ای به عراق که مدتی محل تحصیل و تدریس محقق مزبور بوده (مدرس تبریزی، ۱۳۴۷، ۵/۲۴۷) سفر کرده باشد. هر چند که در این باره به یقین نمی توان سخن گفت زیرا محقق کرکی در عهد شاه طهماسب به ایران آمده و در مناصب روحانیت درباری اشتغال داشت (نک: میر احمدی، ۱۳۶۹، ۶۸) و تلمذ زواره‌ای نزد او نیز می توانسته در این ایام باشد که در این صورت باید به دارالحکومه قزوین رفته باشد.

ظاهرا ابو الحسن زواره‌ای استاد دیگری در تفسیر داشته که از او با نام سید گازر یاد شده (تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۷۰/۴ و ۳۰۹) و تفسیری به نام تفسیر گازر به وی منتسب است. اما شخصیت وی به درستی شناخته نشده است. آقا بزرگ تهرانی در یک جا احتمال داده که تفسیر گازر همان تفسیر جمشید باشد (تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۷۰/۴) و در جای دیگر احتمال داده که همان تفسیر فارسی جلاء الادهان نوشته ابو الحسن جرجانی باشد (تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۲۳/۵) که کتابی بزرگ است و در یازده جلد منتشر شده (حسینی، ۱۴۰۲، ۴۱۹/۲) و اگر احتمال مزبور درست باشد ابوالحسن جرجانی فوق الذکر نیز از استادان علی زواره‌ای می باشد.

علی زواره‌ای در کتاب لوامع الانوار همچنین از شخص دیگری به نام سید عبدالوهاب حسینی جرجانی مطالبی نقل می کند. (عبد الله افندی، ۱۴۰۱، ۳۹۴/۳) عبدالوهاب جرجانی ظاهرا از نویسندگان اواخر قرن نهم هجری بوده و کتابی در موضوع تنزیه انبیاء داشته است. پسر او، نظام الدین عبدالحی از عالمان و نویسندگان مشهور عصر شاه طهماسب صفوی و صاحب تالیفات متعددی در علوم عقلی و نقلی بود (خوانساری، ۱۳۹۰، ۱۹۲/۴).

از میان شاگردان زواره‌ای ملافتح الله بن شکرالله شریف کاشانی (درگذشته ۹۸۸ یا ۹۹۷ هجری) از همه شناخته شده تر و پرآوازه تر است که در کشمیر فوت کرد. از او به عنوان فقیه و متکلم نام برده شده ولی ظاهرا تبحر او در تفسیر بوده چنان که دو کتاب تفسیر فارسی نوشته به نام های منهج الصادقین فی تفسیرالقرآن المبین و الزام المخالفین، و خلاصه المنهج که تلخیص کتاب اول است. تفسیر منهج کتابی بزرگ در سه جلد و به زبان فارسی بوده و در آن به جهت الزام اهل سنت از روایات آنان بسیار بهره برده است و نیز کتاب تفسیر دیگری داشته به زبان عربی با نام زبده التفاسیر که آن هم کتابی بزرگ بود (نک: تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۹۳/۲۳ و ۷/۱۸ و ۳۶ و ۳۳۴/۷). از تالیفات دیگر او شرحی فارسی بر نهج البلاغه است به نام تنبیه الغافلین که در سال ۱۳۰۳ در تهران به چاپ رسیده است (سید اعجاز حسین، ۱۴۰۹، ۱۳۳ و ۱۶۸ و ۲۰۸ و ۳۵۸ و بغدادی، بی تا، ۸۱۵/۱ و تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۴۵/۴ و ۴۴۷). او همچنین ترجمه ای از قرآن به زبان فارسی ارائه داده که در حاشیه قرآن نوشته شده بود (تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۲۷/۴ و ۲۹۷).

علی زواره‌ای در عهد شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی می زیست و در واقع می توان او را نویسنده و مترجم دربار شاه طهماسب به شمار آورد که اغلب تالیفاتش برای وی بوده است (عبدالله افندی، ۱۴۰۱، ۳۹۵/۳).

آثار

عمده الطالب فی ترجمه المناقب

علی بن حسن زواره ای، کتاب مطالب السوول ابن طلحه شافعی را به فارسی ترجمه کرد و آن را عمده الطالب فی ترجمه المناقب نامید(تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۵/۳۴۰ و رفاعی، ۱۴۱۶، ۱۴/۱۰).

ترجمه المناقب

این اثر، یکی از ترجمه های کتاب کشف الغمه است که در سال ۹۳۸ هجری به قلم علی بن حسن زواری (درگذشته ۹۸۸ هجری) برای امیر قوام الدین صورت گرفته است.^۱ (تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۳۹/۴) و گویا شاگردی محقق کرکی (درگذشته ۹۴۰ هجری) را نیز نموده بود. وی تلاش بسیاری در جهت فارسی سازی ادبیات دینی تشیع به کار بست که از فهرست آثار وی، قابل فهم است. آثار وی تقریباً همگی به فارسی می باشند که بخشی را تالیفات و بقیه را - که تعداد چشمگیری هستند- ترجمه ها شامل می شوند که از آن جمله می توان شرح فارسی نهج البلاغه و کتاب های مورد بحث در این جا را نام برد(نک: عبدالله افندی، ۱۴۰۱، ۳/۳۹۴-۳۹۶ و مدرس تبریزی، ۱۳۴۷، ۱/۳۹۳).

زواره‌ای در ترجمه کشف الغمه همچون اغلب کارهای ترجمه ای خود، از افزودن مطلبی بر محتویات کتاب خودداری نموده و فقط به ترجمه عبارات عربی بسنده کرده است. او تصریح می کند که در برگردان کتاب کشف الغمه، شیوه اختصار را در پیش گرفته و این امر را از طریق حذف برخی از تکرارها تحقق بخشیده است تا بر فایده هر مطلب بیافزاید(زواری، مخطوط ۱۵۳۱، ورق ۲) و در همین راستا سلسله سند روایات را حذف کرده است. وی در ترجمه خود علاوه بر ذکر الفاظ عربی آیات قرآنی، از اشعار فارسی کمک گرفته و در موارد متعدد به منظور زیبا ساختن عبارات و بیان مقصود خود، ابیات فارسی را آورده است. او همچنین اشعار عربی مؤلف را عیناً بازگو کرده و بعد به فارسی برمی گرداند. از ویژگی های ترجمه المناقب و دیگر ترجمه های زواری عبارات فارسی روان و ساده و عاری از استعارات و

^۱ - نسخه های خطی متعددی از آن، در کتابخانه آستان قدس رضوی و مرعشی وجود دارد. این کتاب، به سال ۱۳۸۱ هجری در انتشارات اسلامیه تهران به چاپ رسید.

صنایع ادبی می‌باشد. این ترجمه همراه با اصل عربی کشف الغمه به ضمیمه مقدمه ای از ابوالحسن شعرانی و تصحیح سید ابراهیم میانجی به چاپ رسیده است.

نشر الامان فی الاسفار و الاوطان (یا نشر الامان من الاخطار السفر و الازمان)

ترجمه فارسی کتاب الامان سید بن طاووس است که در آداب سفر نوشته شده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ۳۴۳/۲ و سید اعجاز حسین، ۱۴۰۹، ۵۸۰ و کولبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ۵۲).

طراوه اللطائف فی ترجمه الطرائف

ترجمه کتاب طرائف ابن طاووس است که برای شاه طهماسب انجام شده و به وی تقدیم گردیده است این قدیمی ترین ترجمه از کتاب مذکور می باشد (سید اعجاز حسین، ۱۴۰۹، ۱۱۷ و ۳۷۷ و کولبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ۱۰۲). کتاب الطرائف ابن طاووس در مطاعن و مثالب خلفای سه گانه نوشته شده است.

مجمع الهدی

کتابی فارسی در قصص انبیا و ائمه علیهم السلام در چهار باب (تهرانی، ۱۴۰۳، ۴۷/۲۰ و ۱۰۳/۱۷ و حسینی، ۱۴۰۲، ۲۲/۳ و بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱) عبدالله افندی گفته است که آن را در اردبیل و تبریز دیده است و نسخه ای نیز در نزد خود او بوده است که ۴۴ باب داشته و کتابی بزرگ و پرفائده بوده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ۴۷/۲۰).

ترجمه الخواص

تفسیری از قرآن به زبان فارسی است و در واقع ترجمه ای مختصر است با اشاراتی کوتاه به آیاتی که درباره امام علی و اهل بیت علیهم السلام نازل شده است (بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱ و سید اعجاز حسین، ۱۴۰۹، ۱۱۴ و ۱۳۲) اتمام نگارش آن در سال ۹۴۷ هجری قمری بوده و چند نسخه ناقص از آن موجود است. یک نسخه شامل سوره های زمر تا مریم که در قرن یازدهم تحریر شده و نسخه دیگر از مائده تا اواسط براءت که تاریخ تحریر ندارد (حسینی، ۱۴۰۲، ۳۰/۲ تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۰۰/۴).

ترجمه تفسیر امام عسکری (ع)

زواره‌ای کتاب تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام را به فرمان شاه طهماسب ترجمه کرد(عبدالله افندی، ۱۴۰۳/۳۹۵) که در آن کیفیت توبه شاه طهماسب بیان شده است(تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۰/۲۶).

کتاب المزار

حاج علی اصغر قزوینی در اول کتابش از این کتاب نقل می کند و نام می برد(تهرانی، ۱۴۰۳، ۳۱۹/۲۰).

مکارم الکرائم(ترجمه مکارم الاخلاق)

ترجمه مکارم الاخلاق طبرسی است در دوازده باب که در احوال پیامبر و سنن او است(بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱ و سید اعجازحسین، ۱۴۰۹، ۱۲۱) این کتاب یک بار در سال ۱۳۰۰ در بولاق و بار دیگر در ۱۳۰۳ چاپ شده است(تهرانی، ۱۴۰۳، ۱۴۷/۲۲).

روضه الابرار

شرح نهج البلاغه فارسی(بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱ و سید اعجازحسین، ۱۴۰۹، ۳۵۸) و ظاهرا ترجمه آن هم بوده نسخه ای از آن را که آقا بزرگ دیده بوده در ۹۴۷هجری قمری نوشته شده بود(تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۸۵/۱). متأسفانه نسخه ای از این کتاب یافت نشد تا به طور دقیق مورد بررسی قرار گیرد.

لوامع الانوار

خلاصه کتاب احسن الکبار با اضافات و لواحق(بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱ و تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۸۹/۱) تالیف دیگر حسن بن علی زواره ای، لوامع الانوار الی معرفه (فی مناقب الائمه)الاطها نام دارد(تهرانی، ۱۴۰۳، ۳۶۸/۲ و منزوی، فهرست نسخه های خطی فارسی، ۹۸۴ و حسینی، ۱۴۰۲، ۱۵۶/۲) که در سال ۹۵۵ هجری آن را به پایان برده و به گفته عبدالله افندی، کتابی متداول بوده است. این اثر فارسی، خلاصه ای از کتاب احسن الکبار ورامینی می باشد و به دستور شاه طهماسب صفوی انجام شده است. زواره‌ای در این کار خود علاوه بر تلخیص کتاب مذکور، شماری از احادیث معصومین را نیز بر آن افزوده است(عبدالله افندی، ۱۴۰۱، ۳۶۵/۳ و تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۸۹/۱ و ۳۶۱/۱۸ و ۳۶۸/۲ و حسینی، ۱۴۰۲، ۱۵۷/۲). نسخه ای از این کتاب به دست نیامد.

لوامع الانوار دارای یک مقدمه در اصول دین و - همانند کتاب احسن الکبار- چهارده باب در شرح احوال چهارده معصوم می باشد که هر باب خود بر چندین فصل مشتمل می گردد.(عبدالله افندی، ۱۴۰۱، ۳۶۵/۳) صاحب ریاض العلماء که این کتاب را دیده از آن در کتاب انساب النواصب خود نقل می کند و از

نویسندگان معاصر، ملاعلی بن عبدالعظیم واعظ خیابانی تبریزی (ولادت ۱۲۸۲ هجری) در کتاب وقایع الایام مطالبی را از آن بازگو کرده است (نک: تهرانی، ۱۴۰۳، ۳۶۱/۱۸). نسخه ای از این کتب به دست نیامد.

تحفه الدعوات

کتابی است فارسی در اعمال سال عبدالله افندی می گوید که آن را در اردیبهل دیده بود. تاریخ کتابت آن ۹۴۷ هجری است (تهرانی، ۱۴۰۳، ۴۳۲/۳).

وسیله النجاه

ترجمه کتاب اعتقادات شیخ صدوق است (بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱ و تهرانی، ۱۴۰۳، ۷۹/۴).

مراه الصفا

رساله ای است به فارسی (بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱) و عبدالله افندی که نسخه ناقصی از آن را مشتمل بر اواخر کتاب، در هرات دیده بوده می گوید که ظاهراً اوائل کتاب در احوالات و مناقب ائمه و یا اعمال بوده است. آقابزرگ براساس نسخه ای که در تبریز دیده و تاریخ نگارشش ۹۵۱ هجری قمری بوده می گوید اوایل کتاب در مناقب و ادعیه و آداب زیارت عتبات است همچنین در ابتدای کتاب جدولی داشته مشتمل بر طول و عرض جغرافیایی بسیاری از شهرها که برای قبله یابی کاربرد داشته است (تهرانی، ۱۴۰۳، ۲۷۶/۲۰).

ترجمه احتجاج

این کتاب ترجمه ای از کتاب الاحتجاج طبرسی است که در زمان شاه طهماسب و به فرمان وی انجام شده است. مترجم به احتمال قوی علی بن حسن زواره‌ای است که یکی از نسخه های موجود از این کتاب به نام وی نامگذاری شده است (کشف الاحتجاج، شماره ۲۱۲۳ موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی). اما نسخه موجود دیگر به نام ملافتح الله کاشانی (درگذشته ۹۹۵) شاگرد زواره‌ای است که البته در هیچ یک از نسخه های مزبور تأییدی بر نام مترجم نشده است ولی با توجه به این که کتب شرح احوال در زمره تالیفات زواره‌ای به کشف الاحتجاج نیز اشاره کرده اند می توان تصور کرد که نسخه موجود به نام ملافتح الله کاشانی رو نویسی از کتاب استادش بوده باشد. مترجم در علت گزینش کتاب طبرسی برای برگرداندن به فارسی، اظهار می دارد که آن از زمره آثاری است که عباراتی سلیس و پرمعنا و اشاراتی لطیف دارد و به همین سبب بر تالیفات بسیاری از بزرگان برتری دارد. او در اهمیت این کتاب می

گوید: "در واقع بحری است مشحون به جواهر نفیسه و محیطی است مملو از فواید شریفه، محلی به فصاحتی که بصیرت ثاقبه فصحای زمان مثل آن کمتر دیده و مزین به بلاغتی که سامعه صایبه بلغای دوران صیت عدیل آن کمتر شنیده." (زواری، نسخه خطی ۲۱۲۳، ورق ۵) او همچنین در این باب به توصیه سید بن طاووس به پسرش مبنی بر مطالعه این کتاب اشاره می‌کند. (زواری، نسخه خطی ۲۱۲۳، ورق ۶) مترجم در ابتدای کتاب اظهار می‌دارد که برای تعمیم فوائد کتاب برای عموم مردم و افزایش بهره‌وری آن برای خواص تلاش کرده تا در ترجمه این اثر، از تکلفات و تصنعات در عبارت پردازی خودداری کند و مطالب کتاب را که به سبب عبارات مشکل عربی دور از دسترس مردم مانده بود در قالب عبارات ساده فارسی درآورد تا "دیده بینایان از جمال باکمال معانی آن محظوظ و دل نادانان از وصف عوارف معارف آن بهره مند گردد" (زواری، نسخه خطی ۲۱۲۳، ورق ۵).

مترجم در کار خود با رعایت امانت و بدون افزودن مطلبی از خود، به برگردان عبارات اکتفا کرده و حتی سلسله سند روایات را در ترجمه آورده است. در برخی موارد نیز اصل عبارات عربی را ذکر کرده و سپس به ترجمه فارسی آن‌ها پرداخته است. این موارد بیشتر در خصوص آیات قرآنی و برخی احادیث مشهور مانند حدیث لوح می‌باشد (نک: زواری، نسخه خطی ۲۱۲۳، ورق ۳۶-۳۸) تنها مطلبی که مترجم از خود به کتاب افزوده است مقدمه‌ای چند صفحه‌ای در بحث امامت می‌باشد که در آن با ذکر ادله و شواهد قرآنی درصد اثبات امامت دوازده امام برآمده است (نک: زواری، نسخه خطی ۲۱۲۳، ورق ۲-۶).

مفتاح النجاح

ترجمه‌ای از کتاب عده الداعی است و بعضی ادعیه را نیز به آن افزوده است. عبد الله افندی نسخه‌ای از آن را در هرات دیده و نیز در کتابی به نام سفینه اهل بیت تألیف ۱۰۷۹ هجری قمری از آن نقل شده است (تهرانی، ۱۴۰۳، ۳۵۵/۲۱) همچنین فهرست نویسان دیگر از آن به عنوان: "کتابی است فارسی در ادعیه" یاد کرده اند (بغدادی، بی تا، ۷۴۵/۱ و تهرانی، ۱۴۰۳، ۳۵۵/۲۱ و فهرست مرعشی، ۲۴۸/۱ و حسینی، ۱۴۰۹، ۱۰۷/۱).

به جز موارد فوق از دو اثر دیگر علی زواره‌ای در کتب فهرست بدون هیچ توضیحی، نام برده شده به نام های: شرح صحیفه سجادیه (تهرانی، ۱۴۰۳، ۳۵۳/۳) و ترجمه صحیفه سجادیه (حسینی، ۱۴۰۹، ۳۶۶/۱). از آن جایی که کتب فوق در حال حاضر موجود نیستند نمی‌توان درباره آن‌ها اظهار نظر کرد.

نتیجه گیری

در عصر صفویه در راستای فراگیر کردن مذهب تشیع در ایران، همراه تألیفات مذهبی به زبان فارسی، شماری از ارزشمندترین کتب عالمان شیعی در موضوعات اصول دین - به ویژه امامت - و احادیث و ادعیه ائمه علیهم السلام به زبان فارسی ترجمه شدند. علی بن حسن زواره‌ای را، که خود عالمی تحصیل کرده بود، شاید بتوان مهم ترین و پرکارترین مترجم عصر صفوی دانست که در کنار تألیفاتش ترجمه های متعددی را نیز فراهم ساخت. ترجمه های او از دو کتاب مهم و معتبر در موضوع امامت - کشف الغمه و الاحتجاج - طبعاً در آشنایی ایرانیان فارسی زبان با اصول مذهب شیعه موثر بوده است. نویسنده کشف الغمه تلاش کرده تا از روایات تاریخی اهل سنت درباره زندگی امامان شیعه بهره ببرد و بی شک متن فارسی شده این کتاب می توانست راهنمای خوبی برای آشنایی هر چه بیشتر اهل سنت ایران با شخصیت امامان اهل بیت بوده باشد. در کنار این ها برگردان فارسی کتاب اعتقادات شیخ صدوق که یکی از مهم ترین کتب در اصول عقاید شیعی است، کاری بزرگ و تاثیرگذار به شمار می آید و دقت نظر و هدفداری مترجم در انتخاب کتاب هایش را نشان می دهد. رویکرد علی زواره‌ای به ترجمه متون تفسیری شیعی نیز حکایت از فراست و نیاز سنجی او از وضع جامعه دارد. در زمانی که اکثر تفاسیر قرآن به زبان عربی بودند و اگر هم به فارسی نوشته می شدند به گونه ای اصطلاحی و غیر قابل استفاده برای عموم بودند، دو اثر فارسی زواره‌ای در تفسیر قرآن کمک فراوانی بود برای آشنایی فارسی زبانان با فرهنگ قرآنی و تفسیر اهل بیتی و شیعی. چنان که پیداست او متون تفسیری را ترجمه کرده که هم کوتاه هستند و موجب خستگی خواننده نمی شوند و هم موضوعات اصلی شیعی یعنی اصل امامت در آن ها بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین آثار دیگر زواره‌ای در موضوعات ادعیه و حدیث، مخاطبان خود را از دیدگاه ها و اندیشه های ائمه علیهم السلام آگاه می ساخت با عنایت به این نکته که ائمه علیهم السلام در قالب دعاها و مناجات ها به بیان و تبیین مبانی و اصول دینی نیز می پرداختند و در حقیقت ادعیه ماثوره به نوعی جنبه آموزشی و تعلیمی داشته است. می توان تصور کرد که ترجمه متون ادعیه - مانند دعاهای صحیفه سجادیه و به خصوص دعای مکارم الاخلاق - با افزایش میزان درک مردم از مفاهیم دعاها، موجب آشنایی بیشتر مردم با فرهنگ اهل بیت علیهم السلام شده باشد.

با توجه به مطالب ذکر شده در مقاله می توان مساله ای مورد نظر در این تحقیق مبنی بر نقش مترجمان در تبیین عقاید و فرهنگ شیعی در این دوره را این گونه پاسخ داد که علی زواره‌ای و دیگر مترجمان

عصر صفوی با ترجمه‌ها و تالیفات خود بخش قابل ملاحظه‌ای از اصول و مبانی تشیع و فرهنگ شیعی را به محافل عمومی وارد ساختند. یکی از نکاتی که سودمندی و تاثیرگذاری کارهای اینان را بیشتر می‌کند تنوع موضوعی کتاب‌های ترجمه‌ای آن‌ها است به طوری که به عنوان مثال آثار علی بن حسن زواره‌ای از کتاب‌های تخصصی اعتقادی تا متون عمومی تر در ادعیه و آداب را شامل می‌شود و طبیعتاً وجود کتاب‌های دینی و مذهبی به زبان فارسی به رواج مذهب تشیع در میان ایرانیان فارس زبان و تحکیم اعتقاداتشان موثر بوده است. با این حال چون اطلاعات دقیقی از خوانندگان و مراجعه‌کنندگان به این آثار در همان زمان، در دست نیست به درستی نمی‌توان میزان تاثیرگذاری این ترجمه‌ها را دریافت.

فهرست منابع

- آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۶). تاریخ ترجمه‌ازعربی به فارسی از آغاز تا عصر صفوی. نشریه ترجمان وحی، دوره ۵، (شماره ۱۸): ۲۵-۴۸.
- بغدادی، اسماعیل پاشا. (بی تا). هدیه العارفین. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تهرانی، آقابزرگ. (۱۴۱۱ق). احیاء الدائر. بیروت: دارالاضواء.
- _____ . (۱۴۱۱ق) الحقائق الكامنه. بیروت: دارالاضواء.
- _____ . (۱۴۰۳ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه. بیروت: دارالاضواء.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۹ش). صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). امل الأمل. تحقیق سید احمد حسینی. بغداد: مکتبه الاندلس.
- حسین زاده شانه چی، غلامحسن. (۱۳۸۸). ترجمه کتب سیره و مناقب امامان در عصر صفوی. پژوهش‌های تاریخی، دوره ۱، (شماره ۲): ۳۵-۴۸.
- حسین زاده شانه چی، غلامحسن. (۱۳۹۴). سیری در منابع شیعی تاریخ ائمه علیهم السلام از اربلی تا مجلسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسینی، محمد رضا. (۱۴۰۲). فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی. قم: مکتبه السید الگلپایگانی.
- حسینی (حائری) رضوی، ولی بن نعمه الله. (مخطوط به شماره ۱۴۹۳۵). انوار السرائر و مصباح الزائر. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- حموی، محمد بن اسحاق. (مخطوط به شماره ۱۱۵۵۲). منهج الفاضلین فی معرفه الائمة الهداه الکاملین. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- خوانساری، محمدباقر. (۱۳۹۰ق). روضات الجنات، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- الرفاعی، عبد الجبار. (۱۴۱۶ق). معجم ما کتب عن الرسول و اهل بینه. قم: موسسه اهل البیت.
- زواری، علی بن حسن. (مخطوط به شماره ۱۶۳۱). ترجمه المناقب. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.

- _____ . (مخطوط به شماره ۲۱۲۳). کشف الاحتجاج. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- سبزواری بیهقی، حسن بن حسین. (مخطوط به شماره ۱۲۱۹۸). ترجمه کشف الغمه. قم: کتابخانه مرعشی.
- _____ . (مخطوط به شماره ۱۰۴۹). راحه الارواح و مونس الاشباح. قم: کتابخانه مرعشی.
- سید اعجاز حسین. (۱۴۰۹ق). کشف الحجب و الاستار عن اسماء الکتب و المنقار. قم: قم، مکتبه آیه الله مرعشی.
- طبرسی، احمد بن علی. (بی تا). الاحتجاج. تحقیق سید محمدباقر خراسان. قم: دارالنعمان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). اعلام الوری باعلام الهدی. قم: موسسه آل البيت.
- _____ . (۱۴۰۶ق). تاج المواید. قم: مکتبه آیه الله مرعشی.
- عبدالله افندی. (۱۴۰۱ق). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. تحقیق سید احمد حسینی اشکوری. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
- عبدی، زهرا. (۱۳۹۱). فرایند ترجمه متون غیرفارسی در دوره قاجاریه. نشریه مطالعات ترجمه. دوره ۱۰، (شماره ۳۸): ۱۹-۳۶.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: موسسه الوفا.
- محمدشریف ملقب به خادم. (مخطوط به شماره ۹۵۲۷). کفایه المومنین فی معجزات ائمه المعصومین. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- محمدمسیح. (مخطوط به شماره ۷۲۳۰). ترجمه الارشاد. قم: کتابخانه مرعشی.
- مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۴ش). ریحانه الادب. تهران: خیام.
- مشهدی، نعمه الله بن قریش. (مخطوط به شماره ۶۷۴۰). ترجمه کشف الغمه. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- میراحمدی، مریم. (۱۳۶۹ش). دین و دولت در عصر صفوی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میری، عباس. (۱۳۷۷). رویکرد علما به فارسی نگاری در عصر صفویه. مجله حوزه. دوره ۱۵، (شماره ۹۰-۸۹): ۳۷۰-۴۳۳.